

بررسی روش تدریس منبع محور از جنبه تحقق اهداف آموزش عالی و هماهنگی و همراهی با اهداف و خدمات کتابخانه‌های دانشگاهی

هدایت بهروزفر^۱

چکیده

هدف: هدف از انجام این پژوهش، بررسی و تحلیل روش تدریس منبع محور در راستای محقق نمودن اهداف آموزش عالی و نیز چگونگی ارتباط آن با اهداف و فعالیتهای کتابخانه‌های دانشگاهی است. **روش/ رویکرد پژوهش:** پژوهش، از نوع نظری و مروری تحلیلی است. **یافته‌ها:** با اجرای روش تدریس منبع محور، دانشجویان منفعل وادار به انجام فعالیت شده، نقش مدرس نیز تغییر می‌کند و او به یک راهنما و تسهیل کننده مسیر تبدیل می‌شود. با اجرای این روش است که به همکاری کتابدار و مدرس بیش از پیش احساس نیاز می‌گردد و با تقسیم کار میان آن دو، منابع اطلاعاتی به دانشجویان شناسانده و روش استفاده از آنها آموزش داده می‌شود. با توجه به تغییرات سریع در همه عرصه‌ها به خصوص در زمینه فناوری، کتابداران می‌توانند با بهره‌گیری از مزایای روش تدریس منبع محور و نیز کسب مهارتهای لازم و به دست آوردن تجربه مورد نیاز، به عنوان ناظران پژوهشی و یا مشاوران پژوهشی در کنار استادان و دانشجویان قرار گیرند و با تلاش پیگیر خود، انگیزه بیشتری به آنان بخشند و بدین سان چرخه انجام پژوهش را روان تر نمایند. **کلیدواژه‌ها:** تدریس منبع محور، آموزش عالی، کتابخانه‌های دانشگاهی، روشهای تدریس.

مقدمه

آموزش و پژوهش را می‌توان از جمله مهم‌ترین و بدیهی‌ترین اهداف آموزش عالی به شمار آورد. نیل به هر هدفی، مستلزم به کارگیری بهترین و دقیق‌ترین ابزارهای متناسب با آن هدف است. منابع اطلاعاتی در محملهای متنوع، ابزارهایی مناسب برای ارائه آموزش و انجام پژوهش‌اند. در واقع، منابع اطلاعاتی ابزارهای تحقق اهداف آموزش عالی هستند. استادان برای تدریس و انجام پژوهش، از منابع اطلاعاتی بهره می‌گیرند و دانشجویان نیز برای یادگیری، ناگزیر از مراجعه به منابع اطلاعاتی هستند.

۱. دانشجوی دکتری دانشگاه فردوسی مشهد. hedayatbehroozfar@gmail.com

بنابراین، بدون وجود منابع اطلاعاتی، تحقق اهداف آموزش عالی غیر ممکن است. از این رو، کتابخانه‌های دانشگاهی هر ساله با صرف هزینه‌های بسیار اقدام به خرید کتاب، مجله، منابع مرجع، اشتراک پایگاه‌های اطلاعاتی و مانند آن می‌کنند تا بتوانند منابع اطلاعاتی مورد نیاز استادان و دانشجویان را فراهم آورند و مهم‌ترین هدف خود را که همان ارائه خدمات به مراجعان است، محقق سازند. در این میان، منابع مرجع از منابع مهم و با ارزش برای به دست آوردن اطلاعات به شمار می‌روند که حاوی اطلاعاتی جامع و کلی درباره هر موضوع بوده و می‌توانند به عنوان ابزاری برای گردآوری دانش پایه، مورد استفاده قرار گیرند. با وجود این، تحقیقات به عمل آمده در ایران نشان می‌دهد از این منابع اطلاعاتی با وجود اطلاعات ارزشمند در آنها، استفاده مطلوب به عمل نمی‌آید (استیری، ۱۳۷۱؛ طاهری، ۱۳۷۳، و صمدی، ۱۳۷۶).

مهم‌ترین فرضیه‌هایی که برای این وضعیت توسط «مجیری» (۱۳۸۰) ارائه شده، عبارتند از: ناآشنایی استادان با منابع مرجع عمومی و اختصاصی، نبود منابع مرجع مناسب و معتبر، بی‌اطلاعی استادان از وجود منابع مرجع مناسب در کتابخانه و نبود برقراری پیوند روش تدریس با مندرجات این منابع که آن را مشکل نظام آموزشی می‌نامیم. برای شرح مشکل نظام آموزشی، اهداف آموزش عالی باید تبیین شود، روشهای تدریس مناسب برای تحقق این اهداف به دقت بررسی و نشان داده شود که تدریس منبع محور^۱ ضمن محقق نمودن اهداف آموزش عالی، با اهداف و خدمات کتابخانه‌های دانشگاهی همراه و هماهنگ است.

اهداف آموزش عالی

از آنجا که شناخت، تبیین و تدوین اهداف و رسالت‌های آموزش عالی بر ساختار، محتوا، روشها و وظایف این نهاد تأثیر مستقیم دارد، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. بررسی نوشته‌ها نشان می‌دهد متناسب با وضعیت علمی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی کشورها، دیدگاه‌ها، نظرها و رویکردهای متفاوتی در این زمینه وجود دارد. در

_____ بررسی روش تدریس منبع محور از جنبه تحقق اهداف آموزش عالی .../ ۸۳

عین حال، این امکان وجود دارد که نکات و موارد مشترک فراوانی را از دیدگاه‌های متفاوتی بیرون کشید.

در بخش پنجم از گزارش ملی آموزش عالی در بریتانیا، اهداف زیر به عنوان اهداف و رسالت‌های آموزش عالی بیان گردیده است (به نقل از عارفی، ۱۳۸۴):

الف) فراهم آوردن فضایی برای پرورش و رشد تواناییهای افراد و رسیدن آنها به بالاترین سطوح پتانسیل فردی، به گونه‌ای که آنها به لحاظ فکری و ذهنی رشد کنند، برای انجام کار مجهز باشند و بتوانند به طور مؤثر به جامعه خدمت کنند و در عین حال اهداف شخصی خویش را نیز جامعه عمل بپوشانند.

ب) افزایش دانش و شناخت افراد و استفاده از آن در جهت خدمت به اقتصاد و جامعه

ج) برآوردن نیازهای یک نظام اقتصادی پایدار، انعطاف‌پذیر و مبتنی بر دانش در سطح ملی و منطقه‌ای و محلی

د) ایفای نقشی مؤثر در شکل دادن به جامعه‌ای دموکراتیک و متمدن.

«کارل گرانت»^۱ (۱۹۹۹) نیز در بیان اهداف آموزش عالی، به موارد زیر پرداخته است: تربیت معلمان و محققان آینده، تشویق به انجام پژوهش در بالاترین کیفیت، تلاش در جهت پاسخ به نیازهای جامعه، ارائه آموزشی که افراد را قادر سازد در دنیای امروز متخصصان شایسته‌ای باشند و به جامعه‌ای که از افراد مختلف با نژادهای متنوع و زمینه‌های اقتصادی و فرهنگی و زبانهای مختلف تشکیل شده است.

پژوهش، تربیت معلم، پاسخگویی به نیازهای اقتصاد امروز از طریق تربیت دانشمندان و تکنسین‌های حرفه‌ای با توجه به آخرین فناوریها و تربیت مدیران و رهبران برای کنترل و اداره سیستمهای پیچیده در جامعه، از جمله اهدافی است که «دانیل بلاندل»^۲ (۱۹۹۴) برای آموزش عالی تعیین کرده است.

1. Carl Grant.

2. Daniel Blondel.

تربیت عمومی، توسعه میراث فرهنگی، تأسیس مراکز تحقیق، حل مسائل جامعه و تربیت معلم، از جمله هدفهایی است که «شریعتمداری» (۱۳۷۴) از آنها به عنوان اهداف و رسالت‌های آموزش عالی نام می‌برد. «خلیجی» (۱۳۷۶) نیز به بیان اهداف و رسالت‌های آموزش عالی در ایران می‌پردازد: توسعه و نشر علوم، معارف و ارزش‌های اسلامی در سطح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی، گسترش مرزهای دانش و اعتلای موفقیت علمی کشور در سطح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی، تربیت و توسعه منابع انسانی یا سرمایه انسانی جامعه بر مبنای تزکیه، علم و حکمت، ارتقای دانش و فرهنگ عمومی، مشارکت در توسعه پایدار فرهنگی، سیاسی، اقتصادی جامعه و حل معضلات اجتماعی، گسترش زبان و ادب فارسی در سطح ملی و منطقه‌ای با توجه به بار فرهنگی غنی زبان فارسی به صورت دومین زبان اسلام و در نهایت برقراری و گسترش روابط علمی- فرهنگی در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی.

مورد مشترک موجود در چند مورد از هدفهایی که برای آموزش عالی در بالا آورده شد، عبارت است از: آموزش و تربیت نیروی متخصص و تربیت معلمان آینده و نیز انجام تحقیق و پژوهش به منظور رشد و توسعه علوم در جهت خدمت به جامعه بشری. در حقیقت، آموزش و پژوهش دو بال حرکتی نظام آموزش عالی در هر کشور است که هدفها و رسالت‌های متنوع دیگری متناسب با عصری که جامعه بشری در آن زندگی می‌کند و نیز شرایط خاص علمی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی هر کشور در کنار آنها قرار می‌گیرند. بنابراین، می‌توان آموزش و پژوهش را دو رکن ثابت آموزش عالی در نظر گرفت که در زمانهای مختلف با عنوانهای متفاوتی مانند رویکردهای کلاسیک^۱، پراگماتیک^۲، عقل‌گرا^۳، تجربه‌گرا^۴، مدنی^۵، مبتنی بر خدمات عمومی^۶، مبتنی بر ملاحظات معرفت‌شناختی^۷ بروز می‌یابد.

1. Classical.
2. Pragmatic.
3. Intellectualist.
4. Experimentalist.
5. Civic-oriented.
6. Public- service- approach.
7. Epistemological- base.

این رویکردها را می‌توان در سه گروه با عنوانهای زیر مورد توجه قرار داد:

الف) رویکرد ابزاری فردگرایانه

ب) رویکرد ابزاری جمع‌گرایانه

ج) رویکرد تلفیقی (عارفی، ۱۳۸۴).

الف) رویکرد ابزاری فردگرایانه

رویکردهای کلاسیک، عقل‌گرا، معرفت‌شناختی در این طبقه قرار می‌گیرند. این رویکرد از زمان شکل‌گیری آموزش عالی در جهان تا جنگ جهانی اول، جایگاه والایی داشته است و افرادی نظیر «ولین»^۱، «آرنولد»^۲ و «هاچینز»^۳ از طرفداران آن بوده‌اند. هسته اصلی این رویکرد «علم برای علم بودن» است. این که در دنیا حقایق و ارزشهای مطلق وجود دارند که کشف شده‌اند و یا قابل کشف هستند، پس برای کشف این حقایق و انتقال آنها باید تلاش نمود؛ دانشگاه مکانی برای کمک به افراد برای کشف این حقایق و ارزشهای اساسی و مطلق است و هیچ‌گونه رابطه‌ای میان آن و جامعه متصور نیست. انجام پژوهشها نیز صرفاً به منظور ارضای کنجکاوی افراد و حسن حقیقت‌جویی آنان است و هیچ‌گونه الزامهای اجتماعی را به منظور جهت‌دهی به این امر، برنمی‌تابد. بدین ترتیب، بنیادی‌ترین رسالت آموزش عالی از درون چنین رویکردی، انتقال ارزشها و دانش، آن هم صرفاً با انگیزه توجه به ارزش ذاتی دانش و به عبارتی توسعه ذخیره دانش انسانی و رای کاربردهای فعلی و عملی آن در حیطه‌های مختلف علوم طبیعی، اجتماعی و انسانی و هنری، مدنظر است.

ب) رویکرد ابزاری جمع‌گرایانه

رویکرد پراگماتیک، مبتنی بر بازار، مبتنی بر ملاحظات سیاسی و ... از جمله رویکردهای ابزاری جمع‌گرایانه هستند. به لحاظ زمانی، این رویکرد از زمان انقلاب صنعتی و جنگهای جهانی با توجه به شرایط خاص آن دوران، مورد توجه و استقبال

1. Velben.
2. Arnold.
3. Hutchins.

قرار گرفت. ایده اصلی در این رویکرد برخلاف رویکرد قبلی «سودمندی برای جامعه» است. به این لحاظ، نظریه پراگماتیسم که افرادی چون «پیرس»^۱، «جیمز»^۲، «جان دیویی»^۳ و «سیدنی هوک»^۴ از نظریه پردازان بنام آن بودند، مورد استفاده قرار گرفت. براساس این نظریه و برخلاف رویکرد قبلی، هر آنچه سودمند، مفید و کارآمد برای جامعه است، ارزش دارد. به بیان دیگر، در این جا دیگر صحبتی از ارزشها و حقایق مطلق نیست که افراد در پی کشف آنها باشند بلکه، ارزشها نسبی هستند و متناسب با شرایط اجتماعی، زمانی و مکانی تغییر می‌کنند. از این رو، دانشگاه‌ها پیوندی عمیق با جامعه برقرار می‌سازند و کاملاً در خدمت جامعه‌اند. جامعه از دانشگاه انتظار دارد برای حلّ معضلات و مشکلات آن چاره‌جویی کند و آموزش و پژوهش تنها هنگامی ارزش دارد که بتواند در جهت خدمت به جامعه گام مؤثری بردارد. بنابراین، هدف و رسالت عمده آموزش عالی از درون چنین رویکردی، توجه به نیازهای جامعه و خدمت به آن است. بدین ترتیب، انتقال دانش و انجام پژوهش نیز زمانی سودمند و مناسب به نظر می‌رسند که در راستای حل مسائل باشند، در غیر این صورت ارزش چندانی ندارد.

ج) رویکرد تلفیقی

چنانکه از نام آن برمی‌آید، این رویکرد، تلفیقی از دو رویکرد قبلی است. در ابتدا ممکن است به نظر آید که در کنار هم قرار گرفتن رویکرد و ابزاری فردگرایانه و جمع‌گرایانه، غیر ممکن یا دور از تصور باشد، اما هنگامی که به این مفهوم دقیق‌تر بنگریم، در می‌یابیم که این دو رویکرد در انتقال دانش و انجام پژوهش دارای وجه تشابه و به لحاظ نوع دانش و پژوهش متفاوتند. از این رو، نمی‌توان گفت که آنها لزوماً متضاد یکدیگرند و این امکان وجود دارد تا با فراهم آوردن شرایط و ساختار مناسب در یک نظام، تلفیقی از آنها را نظاره‌گر باشیم. به همین جهت است که «تعداد قابل

1. Peirce

2. James.

3. Dewey.

4. Sidney Hook.

_____ بررسی روش تدریس منبع محور از جنبه تحقق اهداف آموزش عالی /... ۸۷

توجهی از صاحب نظران و نویسندگان، چه به صورت فردی و چه جمعی، در سالهای قبل و هم اکنون، رسالتها و وظایف متعددی را برای آموزش عالی در نظر گرفته‌اند که در عمل نمایانگر رویکرد تلفیقی هستند» (عارفی، ۱۳۸۴).

شواهد حاکی است که امروزه تصمیم‌گیران و سیاست‌گذاران عرصه آموزش عالی، با پیروی از رویکردی تلفیقی سه هدف آموزش، انجام پژوهش و ارائه خدمات را به عنوان مهم‌ترین اهداف و رسالتها، سرلوحه فعالیتها و تفکرات خویش قرار داده‌اند، اما اولویت هر کدام از این هدفها در شرایط زمانی و مکانی مختلف، متفاوت خواهد بود. در بعضی از مؤسسات آموزش عالی در برخی از کشورها به هر سه هدف اولویت یکسانی داده می‌شود، در برخی به آموزش توجه بیشتری می‌شود و در برخی دیگر به پژوهش. نیز در برخی از آنها رویکرد ابزاری فردگرایانه غلبه بیشتری دارد (دانشگاه‌های ایده^۱) و در برخی دیگر رویکرد ابزاری جمع‌گرایانه (دانشگاه‌های عمل^۲). بدین ترتیب، در هر جامعه با توجه به شرایط مختلف علمی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی و نیازهای گوناگون آن، اهداف پس از اولویت‌بندیهای مورد نیاز، تبیین و تدوین می‌شوند و بر اساس آن وظایف و مأموریت‌های مختلف دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی، تعیین می‌گردد.

اهداف آموزش عالی در ایران

نگاهی هر چند گذرا به جهت‌گیریهای اساسی بخش آموزش عالی در برنامه پنجم توسعه که با توجه به نقاط قوت و ضعف برنامه‌های قبلی و نیز در نظر گرفتن شرایط جدید و تحولات صورت گرفته، تنظیم شده است و همچنین توجه به برخی از سیاست‌های کلی ملی و فرهنگی برنامه پنجم که در زیر آمده است، این بحث را از شفافیت بیشتری برخوردار می‌سازد:

جهت‌گیریهای اساسی بخش آموزش عالی در برنامه پنجم توسعه (۱۳۹۰-۱۳۹۴)

-
1. Universities of idea.
 2. Universities of action.

- تحقق جنبش نرم‌افزاری و تعمیق مبانی اعتقادی، ارزشهای اسلامی و اخلاق حرفه‌ای با هدف ارتقای کیفی در حوزه دانش و تربیت اسلامی.
 - بازنگری متون، محتوا و برنامه‌های آموزشی و درسی دانشگاهی مبتنی بر آموزه‌ها و ارزشهای دینی و هویت اسلامی - ایرانی و انقلابی.
 - تقویت دوره‌های تحصیلات تکمیلی با بهره‌گیری از آخرین دستاوردهای دانش بشری، با اولویت نیاز بازار کار.
 - نهادینه کردن تجربه‌های علمی و عملی انقلاب اسلامی و دفاع مقدس با انجام فعالیتهای آموزشی، پژوهشی و نظریه‌پردازی در حوزه‌های مرتبط.
 - گسترش کرسیهای نظریه‌پردازی، نقد و آزاداندیشی، انجام مطالعات میان رشته‌ای، توسعه قطبهای علمی و تولید علم بومی با تأکید بر علوم انسانی.
 - استقرار نظام جامع نظارت و ارزیابی و رتبه‌بندی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی با هدف ارتقای کیفیت.
 - روزآمد نمودن محتوای رشته‌های تحصیلی با توجه به نیازهای متنوع و در حال تحول جامعه.
 - اصلاح برنامه‌ها و شیوه‌های سستی آموزش متکی بر درسهای نظری و محفوظات و آماده کردن دانشجویان برای مواجهه با مسائل و شرایط دنیای حاضر.
 - توسعه مراودات بین‌المللی.
 - استفاده از فناوریهای نوین در آموزش و پژوهش.
 - توازن آموزش و پژوهش در دانشگاه‌ها و توسعه تحقیقات مرتبط با نیازهای مختلف جامعه.
 - فراهم کردن زمینه‌ها و تسهیلات جهت تحول روشها و برنامه‌های آموزشی در سطوح آموزش عمومی و متوسط با هدف تقویت روحیه پژوهشگری.
- هدفهای کلی اعلام شده از رویکردی تلفیقی حکایت دارد که در آن، رویکرد ابزاری جمع‌گرایانه غلبه دارد زیرا در اغلب موارد به ارائه خدمت به جامعه و تأمین نیازهای آن تأکید شده است. نیز، توجه به امر پژوهش از تأکید بیشتری برخوردار است و به نظر می‌رسد اولویت اول پژوهش است و سپس آموزش. بر این اساس، به روشهای تدریسی

_____ بررسی روش تدریس منبع محور از جنبه تحقق اهداف آموزش عالی /... ۸۹

نیاز است تا بتواند ضعفهای آموزشهای سنتی را بپوشاند و با روح پژوهش محور خود، به تقویت انجام پژوهش در نظام آموزش عالی کمک مؤثری کند و هدفهای تدوین شده را محقق سازد. از جمله چنین روشهایی، روش تدریس منبع محور است که می تواند در این زمینه راهگشا باشد.

روش تدریس منبع محور

روش تدریس منبع محور، روش تدریس مشارکتی و دانشجو محور است که در آن مدرس و دانشجو در یادگیری و تدریس با یکدیگر همکاری دارند و هدف از آن وارد کردن فعالیتهای مربوط به شناخت و ارزیابی آثار مختلف به درون برنامه درسی و استفاده از کتابخانه و مهارتهای اطلاعاتی است. از دیدگاه نوبل^۱، روش تدریس منبع محور، نظامی است که در آن اطلاعات مورد نیاز دانشجویان در مواد آموزشی نهاده شده است و سپس راه دسترسی به دانش ذخیره شده در مواد چاپی و یا مواد دیداری- شنیداری سازماندهی می گردد یا به هر نظامی که بر اساس آن مدرسان به جای ارائه دانش به صورت شفاهی در کلاس، راه دسترسی به دانش ذخیره شده را سازماندهی می کنند، روش تدریس منبع محور گفته می شود (نوبل، ۱۹۸۰). این روش تدریس یا یادگیری، یک مدل آموزشی است که برای به کارگیری فعال منابع چندگانه از سوی دانشجویان، طرح ریزی شده است (کمبل و دیگران^۲، ۲۰۰۲).

در این روش تدریس، برخلاف معمول که فراگیران تنها در مقابل مدرس قرار می گیرند و هر آنچه را که او می گوید فرا می گیرند، به صورت انفرادی و گروهی به مطالعه و استفاده از منابع اطلاعاتی و آموزشی می پردازند. این روش به عنوان یک روش مطمئن برای ادامه فرایند یادگیری خارج از کلاس و محیط آموزشی، شناخته شده است (مورین و پارکر^۳، ۱۹۹۶).

روش تدریس یا یادگیری منبع محور، یک مفهوم کلی و گسترده است و در برگیرنده روشهای یادگیری دیگری نظیر یادگیری آزاد^۴، یادگیری منعطف^۵، یادگیری

-
1. Nobel
 2. Campbell & et al.
 3. Maureen & Parker.
 4. Open learning.
 5. Flexible learning.

مستقل^۱، یادگیری دانشجو محور^۲ و است، به طوری که نمی‌توان تفاوتی میان آن با روشهای مشابه ذکر شده قائل شد (توماس^۳، ۱۹۹۵). در این روش، موضوعات درسی از قبل طرح‌ریزی و منابع مربوط به آن مشخص می‌شود. سپس مدرس به بیان کلی موضوع درسی می‌پردازد و پس از آشنایی فراگیران، به بیان مسئله و سوال پرداخته و ذهن فراگیران را برای پاسخگویی و یافتن پاسخهای صحیح، کنجکاو می‌سازد. مدرس، منابع لازم را به فراگیران معرفی می‌کند و این فراگیران هستند که با مراجعه به منابع اطلاعاتی و نیز استفاده از فناوری اطلاعات، خود به یافتن پاسخ و حل مسئله می‌پردازند.

فراگیران علاوه بر پاسخگویی به مسائل مطرح شده، در جریان این فرایند شیوه استفاده از منابع اطلاعاتی و تعامل با آنها و نیز مهارتهای سواد اطلاعاتی را تمرین کنند و بدین ترتیب آمادگی یادگیری مستقل و خارج از محیط آموزشی را کسب می‌کنند. به عنوان مثال، مدرسی که می‌خواهد موضوع جنگ داخلی را تدریس کند، مدتی قبل از انجام این کار، به جستجوی منابع چاپی مرتبط با این موضوع پرداخت و اطلاعات مربوط به این منابع را در کارتی یادداشت نمود و سپس به مرکز سمعی و بصری مراجعه کرد تا در صورت وجود، منابع دیداری-شنیداری مرتبطی را نیز در آن جا بیابد. در اولین جلسه، مدرس به بیان موضوع «جنگ داخلی» پرداخت و منابع مرتبط را به فراگیران معرفی نمود و از آنان خواست تا با مطالعه اجمالی این منابع، موضوع خاصی را برای خود انتخاب و سپس اسلایدهایی را درباره موضوع خویش تهیه کنند. منابع معرفی شده به نحوی تنظیم شده بود که منابع در برگیرنده مطالب کلی و ساده‌تر در ابتدا قرار گرفته بودند و مطالب مشکل‌تر و تخصصی‌تر در انتها قرار داشتند. همچنین، از آنها خواسته شد موضوع مورد نظر را در منابع الکترونیکی نیز جستجو کنند. در جلسه بعد، مدرس به فراگیران کمک کرد تا آنها بتوانند سؤال تحقیق خود را شکل دهند. نیز در مورد چگونگی و زمان استفاده از منابع مختلف مرجع، به بحث و تبادل نظر پرداختند و فراگیران آشنایی خوبی با آنها پیدا کردند. بدین ترتیب، فراگیران پس از چند هفته کار بر روی موضوع مورد نظر خویش، اسلایدهای خود را تهیه و در

-
1. Independent learning.
 2. Student-centered learning.
 3. Thomas.

_____ بررسی روش تدریس منبع محور از جنبه تحقق اهداف آموزش عالی ... / ۹۱

کلاس ارائه کردند. در نتیجه، هر فرد به جنبه‌ای خاص از موضوع «جنگ داخلی» پرداخت و فراگیران ضمن تعامل فعال با منابع اطلاعاتی و درگیر شدن با موضوع کلاس، با جنبه‌های متفاوت موضوع مورد نظر آشنا شدند (کمبل و دیگران، ۲۰۰۲).

در مثال بالا مشاهده کردیم که نخست برنامه درسی کلاس و موضوع مورد نظر قبل از ورود به کلاس طرح‌ریزی و مقدمات کار فراهم می‌شود. سپس نوبت به برانگیختن فراگیران توسط مدرس می‌رسد. او سعی می‌کند در جریان سخنرانی خود حس کنجکاوی فراگیران را برانگیزاند و با ایجاد پرسشهایی در ذهنشان، آنان را تشنه فراگیری و یافتن پاسخ آنها کند. پس از آن، مدرس منابع مرتبط با موضوع مورد نظر را معرفی و فراگیران را راهنمایی می‌کند تا از چه منابعی و چه هنگام از آنها استفاده کنند. او فراگیر را راهنمایی می‌کند در چه مرحله‌ای بهتر است از دائره‌المعارف استفاده کند، چه وقت می‌تواند به فرهنگ لغت، سالنامه‌ها و سالنامه‌ها مراجعه کند و چه هنگامی مناسب استفاده از متون تخصصی و پیچیده است. بنابراین، مدرس ضمن ترغیب فراگیران به جستجو و کنکاش، چگونگی انجام آن را توضیح داده، ابزارهای موجود برای انجام این کار را معرفی می‌کند. فراگیران نیز در جریان این فرایند، به یادگیری و تجربه‌اندوختن می‌پردازند. آنها به طور فعال با منابع اطلاعاتی به تعامل می‌پردازند، منابع اطلاعاتی مختلف را جستجو می‌کنند، از فناوری اطلاعات بهره می‌برند و از این طریق تجربه استفاده از آن را به دست می‌آورند، با مهارت‌های سواد اطلاعاتی آشنا می‌شوند و عملاً آنها را تمرین و تجربه می‌کنند. مهم‌تر از همه، خود به تجربه و تحلیل مفاهیم و مسائل مختلف پرداخته، می‌توانند به تفسیر داده‌ها و اطلاعات پردازند و از این طریق دانش جدید تولید کنند. بدین‌سان، فراگیران یادگیری را عملاً حس می‌کنند و ناخودآگاه می‌آموزند چگونه در محیطی خارج از محیط آموزشی به یادگیری خویش ادامه دهند و به طور مستقل مطالعه کنند؛ امری که در دنیای دیجیتال امروز با تغییرات سریع در تمام جنبه‌های آن، اهمیت روز افزونی دارد.

در چنین روش تدریسی می‌توان مزایای ویژه‌ای را مشاهده نمود. نخست آنکه یادگیری مورد توجه است و نه تدریس؛ بنا بر گفته «شاپیرو»^۱ و «بویاتسیس»^۲، موفقیت

1. Shapiro.
2. Boyatzis.

معلم یا استاد نه صرفاً براساس این سؤال که چه چیزی آموزش داده شده است (درون‌داد- محور)، بلکه با این پرسش که دانشجویان چه می‌دانند و چه می‌توانند انجام دهند (برون‌داد- محور)، مورد توجه قرار می‌گیرد (عارفی، ۱۳۸۴).

به بیان دیگر، این نکته حایز اهمیت است که یادگیری مفید و مؤثر اتفاق افتد و همه ابزارها و روشها در گرو تحقق این امر است. اینکه چگونه عمل شود و از چه ابزارهایی استفاده شود تا فراگیران موضوع مورد نظر را با بالاترین کیفیت فرا گیرند، در نتیجه سعی می‌شود از همه امکانات موجود اعم از کتابها و مجله‌های چاپی، الکترونیکی، مواد دیداری- شنیداری، منابع مرجع، شبکه جهانی وب و ... استفاده شود. در این روش، برای جمع‌آوری و انعکاس اطلاعات، زمان در اختیار فراگیر قرار می‌گیرد و باعث یادگیری عمیق او می‌شود (مک فارلن^۱، ۱۹۹۲).

از آنجا که در این روش، یادگیری در مرکز توجه قرار دارد، روشی فراگیر محور است که فراگیر و مدرس در تعامل با یکدیگر قرار می‌گیرند و از آن شرایط سنتی معلم و دانش‌آموز که در آن معلم هر چه را می‌گفت به عنوان علم تلقی می‌شد و شاگرد نیز تنها آنچه را که از سوی معلم دیکته می‌شد می‌پذیرفت، خبری نیست. در این‌جا، مدرس نقش یک کاتالیز را بر عهده دارد که فرایند یادگیری را سرعت می‌بخشد، راه را نشان می‌دهد و پیمودن آن را تسهیل می‌سازد. در این روش، شوق یادگیری و انگیزه برای یادگیری، افزایش می‌یابد.

براساس آنچه «ترنر»^۲ و «پاریس»^۳ به عنوان شش عامل انگیزشی از آنها نام می‌برند- انتخاب^۴، چالش^۵، همکاری^۶، معنادار نمودن^۷، کنترل^۸ و نتایج^۹ (ترنر و پاریس، ۱۹۹۵)- اینکه فراگیر خود می‌تواند به انتخاب موضوع مرتبط با موضوع کلاس پردازد و اجبار موضوعی وجود ندارد، اینکه در جریان جستجوی موضوعی به چالش کشیده می‌شود و

-
1. MacFarlane.
 2. Turner.
 3. Paris.
 4. Choice.
 5. Challenge.
 6. Collaboration.
 7. Constructing meaning.
 8. Control.
 9. Consequences.

_____ بررسی روش تدریس منبع محور از جنبه تحقق اهداف آموزش عالی ... / ۹۳

نیز اینکه نتیجه کار خویش را یک کار سودمند و تولید دانش تصور می‌کند، از عوامل برانگیزاننده و افزایش دهنده انگیزه یادگیری در فراگیران است. این روش سبب ترغیب فراگیران به تمرکز عمیق روی یک موضوع خاص شده و همین امر باعث می‌گردد فراگیران سعی کنند به جستجوی اطلاعات بیشتری برای ارائه یک دستاورد با کیفیت بپردازند (کولثا^۱، ۱۹۹۳). از همه مهم‌تر، در جریان این مدل از یادگیری، فراگیران می‌آموزند تا چگونه در تمام طول مدت زندگی و کار، یادگیری را ادامه دهند. در این روش، مدرس درس «چگونه یادگیری» را تدریس می‌کند، اینکه چگونه به مطالعه مستقل بپردازند، چگونه مسائل خویش را حل و حتی چگونه فکر کنند. با توجه به شیوه تدریس در این روش می‌توان پرورش تفکر انتقادی را در فراگیران انتظار داشت (کمبل و دیگران، ۲۰۰۲). همچنین، این روش باعث گسترش و توسعه مهارت‌های تفکر نظیر مهارت حل مسئله، مهارت استدلال و مهارت ارزیابی انتقادی از طریق مدیریت اطلاعات و تحقیق مستقل می‌گردد (رسنیک^۲، ۱۹۸۷).

چنانکه قبلاً نیز به آن اشاره شد، در این روش فراگیران در فرایند یافتن پاسخ پرسشهای خویش و انجام پژوهش، ناچارند نیاز اطلاعاتی خویش را بشناسند، به شناسایی انواع منابع اطلاعاتی بپردازند، با انواع منابع مرجع آشنا شوند و نحوه استفاده از آنها را فراگیرند، به ارزیابی منابع اطلاعاتی بپردازند، می‌آموزند که باید از منابع معتبر استفاده کنند و راه تشخیص منابع معتبر را از نامعتبر باز می‌شناسند و از مسئولیت اخلاقی و اجتماعی خویش نسبت به دسترسی و استفاده از اطلاعات باخبر می‌شوند و بدین گونه یک مهارت‌های سواد اطلاعاتی را تجربه می‌کنند و عملاً با آنها آشنا می‌شوند. بدین سان، ملاحظه می‌شود که فراگیران از این طریق به مطالعه مستقل پرداخته و آن را تجربه کنند، برای زندگی در عصر دیجیتال آماده می‌شوند، علاوه بر این، برخلاف روشهای تدریس سنتی که در آنها مدرس فراهم آورنده اطلاعات بود و در تمام مدت زمان تدریس از حقایق و مفاهیم مختلف صحبت به میان می‌آورد، در این روش این فراگیر است که با منابع اطلاعاتی در تعامل است و به داده‌ها و اطلاعات جدید دسترسی داشته و وظیفه دارد شخصا به تجزیه و تحلیل مفاهیم و تفسیر داده‌ها

1. Kulthau.
2. Resnick.

بپردازد، دانش جدید تولید کند که این خود همان‌گونه که قبلاً اشاره شد، شوق‌انگیز است. این روش سبب تقویت نگرش مثبت مدرس و فراگیر به محتوای درسها و دستاوردهای آکادمیک می‌گردد (کول^۱، ۱۹۹۱). نیز از طریق ایجاد یک چارچوب یا بستر ذهنی برای اطلاعات، امکان ارزیابی شخصی و فهم و تفسیر اطلاعات را برای افراد فراهم می‌سازد (استریپلینگ^۲، ۱۹۹۵). نکته آخر اینکه با توجه به مواد ذکر شده، می‌توان ادعا کرد با به کارگیری این روش، تدریس میزان استفاده از منابع اطلاعاتی به‌خصوص منابع مرجع، افزایش پیدا خواهد کرد و در نتیجه کتابخانه‌ها و مراکز اطلاعاتی بهره‌وری بیشتری خواهند داشت.

هر چند روش تدریس منبع محور از مزایای متنوعی برخوردار بوده و می‌تواند سبب تحول در نظام آموزشی گردد، دارای محدودیتها و چالشهایی نیز هست که باید صاحب‌نظران به دقت آنها را بررسی کنند و راه‌حلهایی را بیابند. اولین نکته قابل اشاره آن است که در این روش به یک تیم کاری منسجم نیاز است. چنانچه هر یک از اعضای این تیم نتوانند به وظایف خود عمل کنند، روش تدریس تحت تأثیر منفی آن قرار خواهد گرفت. چنانکه قبلاً نیز به آن اشاره شد، مدرس قبل از پرداختن به موضوع مورد نظر در کلاس، باید یک برنامه مدون و از قبل طرح‌ریزی شده را در اختیار داشته باشد و براساس آن فراگیران را راهنمایی کند. در نتیجه، نیاز است مدتی از وقت خویش را صرف جستجوی منابع مرتبط کند و از متخصصان موضوعی و نیز کتابداران کمک بگیرد. به دیگر سخن، تیم مورد اشاره متشکل از مدرس و متخصص موضوعی و کتابدار است و این دو، باید به مدرس کمک کنند تا برنامه مورد نظر را طرح‌ریزی کند. هر سه نفر باید وقت صرف کنند و ارتباط خوب و مؤثری با یکدیگر داشته باشند. چنانچه هر یک از آنها با مدرس همکاری نکنند و یا با او هماهنگ نباشند، برنامه آموزشی آسیب خواهد دید. بنابراین، به گفته «فارمر»^۳ هر کدام از آنها باید از نیازها و روشهای کار یکدیگر آگاهی داشته باشند (کمبل و دیگران، ۲۰۰۲).

1. Cull.
2. Stripling.
3. Farmer.

_____ بررسی روش تدریس منبع محور از جنبه تحقق اهداف آموزش عالی ... / ۹۵

نکته بعدی، روش ارزیابی فراگیران است؛ اینکه چه ساز و کاری جایگزین گرفتن امتحانات سنتی شود. چطور می‌توان آگاه شد که اهداف درسی محقق گردیده است. با توجه به اینکه هر فراگیر در رابطه با جنبه‌ای خاص از یک موضوع تحقیق می‌کند و هر یک از آنان قدرت تفکر و استدلال متفاوتی دارند، آیا باید محصول نهایی کار را ارزیابی کرد یا فرایند طی شده باید مورد توجه قرار گیرد؟ (کمبل و دیگران، ۲۰۰۲).

با ورود فناوریهای نوین اطلاعاتی و وجود شبکه جهانی وب، دسترسی به اطلاعات مختلف تسهیل گشته است. همین امر می‌تواند زمینه سوء استفاده برخی از فراگیران را فراهم آورد و آنان دست به سرقت ادبی بزنند. تشخیص اینکه کار ارائه شده محصول حقیقی تلاش فراگیر است یا خیر، وظیفه جدیدی را بر دوش مدرس می‌نهد و بدین‌سان کار او را در ارزیابی فراگیران مشکل می‌کند. نکته دیگری که می‌توان به آن اشاره کرد آن است که فراگیران اغلب به مدل سنتی آموزش عادت کرده‌اند و هنگام مواجهه با این روش جدید، دچار مشکل می‌شوند. اغلب فراگیران حتی از دوران پیش دبستانی و در کودکی با روش سنتی رشد کرده‌اند و همواره منتظر شنیدن سخنرانی مدرس در کلاس هستند تا فقط آنچه را که او دیکته می‌کند، بیاموزند. بنابراین، بدون شک چنین فراگیرانی در مواجهه با روش تدریس منبع محور دچار مشکل می‌شوند، پس باید این موضوع بررسی و راهکارهای مقتضی ارائه شود. علاوه بر این، برخی از مدرسان نیز دچار همین مشکل هستند و نمی‌توانند خود را با این روش هماهنگ کنند. آنها نیز سالها به شیوه سخنرانی عادت کرده‌اند و ممکن است تمایلی هم به تغییر وضعیت قبلی خویش نداشته باشند و در مقابل چنین روشی مقاومت کنند، زیرا لازمه اجرای این روش آن است که مدرس خود مهارت‌های پیش‌نیاز مطالعه مستقل، مهارت‌های رفتاری و نیز مهارت‌های سواد اطلاعاتی را کسب کرده باشد تا بتواند راهنمای فراگیران باشد. فراهم‌آوری امکانات لازم برای اجرای موفق این روش را می‌توان یکی از چالش‌های این روش عنوان نمود. چنانکه گفته شد، اجرای این روش نیازمند ارتباط مداوم و فعال فراگیران با منابع اطلاعاتی و به کارگیری فناوری اطلاعات و در برخی از رشته‌ها استفاده از آزمایشگاه‌های مختلف است. در نتیجه، هزینه آموزش افزایش می‌یابد، زیرا داشتن کتابخانه‌های دانشگاهی غنی و روزآمد که خدمات متنوعی را ارائه

دهند و نیز وجود آزمایشگاه‌ها و کارگاه‌های آموزشی مدرن و مجهز، همگی نیازمند صرف بودجه و سرمایه‌گذاری کلان است. از این‌رو، به نظر می‌رسد یکی از دلایل مهم استقبال نکردن از چنین روش یا روشهایی در کشورهای جهان سوم، بالا بودن هزینه آن است، لذا در این نوع کشورها روشهای سنتی هنوز رونق زیادی دارد.

کتابخانه‌های دانشگاهی

بنا بر آنچه «یانگ»^۱ بیان می‌دارد، کتابخانه دانشگاهی عبارت است از: کتابخانه یا سیستمی از کتابخانه‌ها که به وسیله یک دانشگاه، تأسیس، نگهداری و حمایت می‌شود تا نیازهای اطلاعاتی دانشجویان، دانشکده و استادان را برآورده سازد و برنامه‌های خدماتی، پژوهشی و آموزشی آنها را پشتیبانی کند. فلسفه وجودی این نوع کتابخانه در دانشگاه‌ها، دانشکده‌ها، موسسات آموزش عالی و دانشسراها، کمک به استادان و دانشجویان در پیشبرد کار تحقیق و تدریس است (یانگ، ۱۹۸۳).

«کومار»^۲ معتقد است دانشگاه‌ها امروزه با تسهیلات فراوان و منابع بسیار، به سازمانهای پیچیده‌ای تبدیل شده‌اند. زمانی کتابخانه دانشگاهی تنها به عنوان مخزنی برای نگهداری مجموعه کتب تلقی می‌شد و در فرایند آموزش نقشی حاشیه‌ای داشت. با وجود این، تغییرات مهمی در دیدگاه مسئولان، پژوهشگران، استادان و دانشجویان به وجود آمده است و اکنون به کتابخانه دانشگاه به عنوان نیرویی فعال در تدریس و پژوهش نگریسته می‌شود. در حال حاضر، کتابخانه یک بخش ناگسستنی از دانشگاه و عامل مهمی در ساختار آن است و کتابداران اعضای اصلی جامعه به شمار می‌روند (کومار، ۱۹۹۱). از این‌رو، به نظر می‌رسد نقش مهم کتابخانه‌های دانشگاهی، بر کسی پوشیده نباشد.

از آنجا که کتابخانه دانشگاهی بخشی از ساختار سلسله مراتبی دانشگاه شمرده می‌شود، اهداف آن نیز هماهنگ با اهداف دانشگاه و در مرتبه‌ای بالاتر، هماهنگ با هدفهای آموزش عالی تنظیم و تدوین می‌شود. در حقیقت، کتابخانه دانشگاهی بازوی

1. Young.

2. Kumar.

_____ بررسی روش تدریس منبع محور از جنبه تحقق اهداف آموزش عالی /... ۹۷

توانمند و فعال دانشگاه به منظور تحقق بخشیدن به اهداف آن است و هرگونه تحول و تغییر در اهداف کلان دانشگاه، قطعاً بر اهداف کتابخانه به عنوان جزئی از آن تأثیر خواهد گذاشت. در نتیجه، هنگامی که مهم‌ترین هدف دانشگاه آموزش و انجام پژوهش باشد، مهم‌ترین هدف یک کتابخانه دانشگاهی نیز کمک هر چه بیشتر به امر آموزش و انجام پژوهش خواهد بود. کتابخانه‌های دانشگاهی باید نیازهای بالفعل و بالقوه آموزشی و پژوهشی دانشجویان و استادان را شناسایی کنند و آنها را به بهترین و راحت‌ترین راه در اختیار آنان قرار دهد و بدین‌سان راه آموزش و انجام پژوهش را هموار سازند. این کتابخانه‌ها نباید به حاشیه رانده شوند، بلکه باید با مشارکت فعال در امر آموزش و پژوهش، همواره یک گام از استادان و دانشجویان جلوتر بوده، راهنمایان خوبی برای آنان باشند. علاوه بر این هدف، برای کتابخانه‌های دانشگاهی هدفهای مختلف و متفاوت دیگری هماهنگ با اهداف دانشگاه خاصی که در آن قرار دارند، وجود دارد. علاوه بر این، می‌توان هدفهای کلی دیگری نیز که برای دیگر کتابخانه‌ها وجود دارد، برای آن در نظر گرفت. مطابق با آنچه در (اسدی، ۱۳۷۹) آمده است، می‌توان این اهداف را در ۵ بُعد مختلف خلاصه نمود:

الف) مجموعه؛ ارائه اطلاعات در محملهای مختلف اعم از چاپی، الکترونیکی، میکروفیلمی و ... براساس نیاز استفاده‌کنندگان از کتابخانه

ب) دسترسی به منابع؛ با به کار بردن فهرستهای جامع و روزآمد و کاربرپسند، استفاده‌کنندگان از مجموعه موجود آگاه شوند. سعی شود منابعی که در کتابخانه موجود نیستند، به شیوه‌های گوناگون و هر چه سریع‌تر در دسترس قرار گیرند. از دسترسی آسان گروه‌های مختلف به خدمات ارائه شده به‌خصوص معلولان و ناتوانان، اطمینان حاصل شود.

ج) کاربرد درون سازمانی؛ فراهم نمودن فضا و تسهیلات کافی برای مطالعه و تحقیق در کتابخانه و نیز فراهم کردن تجهیزات کافی برای استفاده از مواد غیر چاپی

د) آموزش استفاده‌کنندگان؛ آگاهی عمومی استفاده‌کنندگان از خدمات کتابخانه و فراهم کردن خدمات مرجع کافی به شکل الکترونیکی، نیز یاری نمودن استفاده‌کنندگان

در پیدا کردن اطلاعاتی که آنها در درون یا بیرون کتابخانه لازم دارند که این امر با آموزش و تعاملات شخصی، امکان‌پذیر می‌گردد.

ه) ذخیره و نگهداری؛ ذخیره مواد مورد نیاز در کتابخانه که برای کارهای تحقیقاتی یا دیگر وظایف دانشگاه در دراز مدت مورد استفاده قرار می‌گیرد و دقت در آماده‌سازی و حفظ مواد نادر و کمیاب.

در کتابخانه‌های دانشگاهی براساس هدفهای تدوین شده، خدمات و وظایفی تعریف شده است و استادان و دانشجویان می‌توانند از این خدمات استفاده کنند، هر چند باید توجه نمود این خدمات در کتابخانه‌های مختلف براساس نوع استفاده‌کنندگان و نیز اهداف خاص دانشگاه یا مؤسسه آموزش عالی، متفاوت است و نباید ارائه تمامی خدمات را از کلیه کتابخانه‌های دانشگاهی انتظار داشت. این خدمات می‌تواند شامل امانت کتاب و نشریات، رزرو مدرک، فراهم آوردن فضای مطالعه و وجود سیستمهای قفسه باز و قفسه بسته، خدمات مرجع و اطلاع‌رسانی، خدمات گردآوری کتابشناسی‌ها، نمایه‌سازی و چکیده‌نویسی، فراهم آوردن فهرستهای پیوسته و ارتباط با مراکز اطلاع‌رسانی سایر دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی، فراهم آوردن امکان ارتباط پیوسته با شبکه جهانی وب و نیز پایگاه‌های اطلاعاتی ارائه دهنده چکیده مقاله‌ها و مقاله‌های متن کامل روزآمد، معرفی پایگاه‌های اطلاعاتی معتبر و راه ارتباط با آنها، آموزش کاربران برای جستجو در فهرستهای پیوسته و نیز استفاده از پایگاه‌های اطلاعاتی، آموزش استفاده از منابع کتابخانه‌ای، امانت بین کتابخانه‌ای، خدمات تحویل مدرک، ارائه فهرست مطالب جدیدترین نشریات دریافت شده، خدمات آگاهی‌رسانی جاری به صورت چاپی و الکترونیکی، ارائه اطلاعات گزینشی، ارائه پایان‌نامه‌ها، بریده جراید، خدمات تکثیر و خدمات ترجمه.

از آنجا که مهم‌ترین هدف کتابخانه دانشگاهی به عنوان بازوی فعال دانشگاه، کمک به امر آموزش و انجام پژوهش است، این کتابخانه‌ها باید از بخش نشریات قوی و هدفمند برخوردار بوده و از فناوری اطلاعات و روزآمد استفاده کنند؛ زیرا استادان و دانشجویان در عصر اطلاعات و دنیای دیجیتال که سرعت تغییرات در آن روز افزون است، بیش از هر چیز به دریافت جدیدترین یافته‌ها و نظریه‌های علمی نیاز دارند و

_____ بررسی روش تدریس منبع محور از جنبه تحقق اهداف آموزش عالی /... / ۹۹

نشریات و پایگاه‌های اطلاعاتی و نیز شبکه جهانی وب به دلیل ویژگیهای خاص خود می‌توانند نیازهای آنان را برآورده سازند. بنابراین، لازم است تا در عصر جدید کتابخانه‌های دانشگاهی از فناوریهای اطلاعاتی نوین استفاده کنند و جدیدترین یافته‌های علمی را در اختیار کاربران خود قرار دهند. این امر سبب می‌شود تا کتابداران ناچار از آشنایی با منابع الکترونیکی باشند، آنها را بشناسند، بتوانند آنها را ارزیابی و سپس انتخاب کنند، آنها را سازماندهی و مدیریت کنند و به کاربران ارائه دهند. سیاست‌گذاران و تصمیم‌گیران نیز باید توجه خود را به این امر معطوف سازند و میزان بودجه تخصیصی را به منابع اطلاعاتی الکترونیکی و نیز نشریات، افزایش دهند (مورین و پارکر، ۱۹۹۶).

نتیجه‌گیری

با توجه به آنچه در بخش اول - اهداف آموزش عالی - مطرح گردید، مشخص شد که آموزش، پژوهش و ارائه خدمات از اهداف مهم آموزش عالی است، اما ممکن است در برخی از کشورها و یا دانشگاه‌ها و موسسات آموزش عالی، اولویت یکسانی نداشته باشد. مطابق با آنچه به عنوان سیاستهای کلی بخش آموزش عالی مطرح شده است، آموزش و پژوهش با تأکید بر انجام پژوهش و دوری گزیدن از آموزش سستی، از اهداف مهم آموزش عالی کشورمان به شمار می‌رود. بنابراین، دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی موظفند با به کارگیری تمام امکانات و ابزارهای خود، در جهت تحقق این اهداف تلاش کنند. کتابخانه‌های دانشگاهی به عنوان بازوهای فعال و قدرتمند دانشگاه‌ها و به تعبیری دیگر قلب تپنده آن، از ابزارهای مهم دانشگاه‌ها برای محقق ساختن این اهداف هستند. اهداف کتابخانه‌های دانشگاهی که خود بخشی از ساختار سلسله مراتبی دانشگاه‌ها به شمار می‌آیند، هماهنگ با اهداف دانشگاه‌ها تعریف و تدوین می‌گردد. از این رو، هدف کتابخانه‌های دانشگاهی در کشور، کمک به امر آموزش و انجام پژوهش است. چنانچه دانشگاه‌ها بخواهند اهداف تدوین شده خویش را محقق سازند، ناگزیر از توجه جدی به کتابخانه‌های دانشگاهی هستند و باید امکانات و بودجه لازم را در اختیار این نهاد آموزشی و پژوهشی قرار دهند، زیرا در غیر این صورت و با به حاشیه رانده شدن کتابخانه‌های دانشگاهی، انجام پژوهش نیز با مشکل مواجه می‌شود و رونق لازم را ندارد. آنچه به اندازه، عمق، دامنه و خدمات کتابخانه‌های

دانشگاهی معنا می‌بخشد، تأمین حمایت لازم برای پیگیری بنیادی و پژوهشهای پیشرفته است. اجرای روشهای تدریس روزآمد و مدرن نیز از جمله راه‌کارهای مهم در محقق نمودن اهداف آموزش عالی است. چنانکه ملاحظه گردید، اجرای روش تدریس منبع محور می‌تواند ما را تا حدودی از آموزش سنتی دور سازد و روح تازه و پرنشاطی را به کالبد پژوهشی دانشگاه‌ها بدمد. این روش تدریس، شیوه تک بُعدی آموزش را که در آن مدرس فراهم‌آورنده اطلاعات است و تنها سخنگویی در کلاس را کناری می‌نهد و دانشجویان منفعل را به چالش کشانیده، آنها را وادار به انجام فعالیت می‌کند. پس نقش مدرس نیز تغییر نموده و او به یک راهنما و تسهیل‌کننده مسیر تبدیل می‌شود نه چیز دیگر. با اجرای این روش است که به همکاری کتابدار و مدرس بیش از پیش احساس نیاز می‌شود و با تقسیم کار میان آن دو، منابع اطلاعاتی به دانشجویان شناسانده و روش استفاده از آنها آموزش داده می‌شود.

دانشجویان می‌آموزند که چگونه و چه هنگامی از منابع اطلاعاتی استفاده کنند، چگونه به ارزیابی منابع اطلاعاتی بپردازند و چگونه فهرستهای پیوسته و پایگاه‌های اطلاعاتی را مورد جستجو قرار دهند. در نتیجه، با تعامل فعال و نزدیک مدرس و کتابدار، دانشجویان قدم به قدم و به تدریج در جریان چنین فرایندی مهارتهای سواد اطلاعاتی را کسب می‌کنند و با چگونگی انجام مطالعه مستقل آشنا و به یاد گیرندگانی همیشگی تبدیل می‌شوند. در این روش، مدرس به دانشجویان «چگونه یادگیری» (گرفتن ماهی) را می‌آموزد تا آنها بتوانند خارج از محیط آموزشی نیز یادگیری خود را ادامه دهند. با اجرای این روش تدریس در دانشگاه‌ها، انجام پژوهش و تولید دانش رونق بیشتری می‌گیرد و مدرس، کتابدار و دانشجو هر سه به تلاش و فعالیت بیشتر ترغیب می‌شوند. در حقیقت، با اجرای این روش نیروی تازه‌ای در رگهای هر سه گروه جریان می‌یابد؛ مدرس ناگزیر است برای راهنمایی دانشجویان، خود نیز مهارتهای سواد اطلاعاتی را کسب کند و به جستجوی منابع معتبر بپردازد و برای ارائه در کلاس آمده باشد، همواره روزآمد باشد، از منابع موجود در کتابخانه و شیوه انجام کار در آن‌جا آگاه باشد و با کتابدار بحث و تبادل نظر داشته باشد. کتابدار نیز ناگزیر است به جستجوی منابع اطلاعاتی چاپی و الکترونیکی بپردازد و جدیدترین و روزآمدترین منابع را پس از ارزیابی‌های لازم در اختیار دانشجویان و استادان قرار دهد. او نیز باید از مهارتهای جستجو در فهرستهای پیوسته و نیز مهارتهای سواد اطلاعاتی برخوردار باشد تا بتواند

_____ بررسی روش تدریس منبع محور از جنبه تحقق اهداف آموزش عالی .../ ۱۰۱

دانشجویان را راهنمایی کند، از شیوه انجام کار استادان آگاه باشد و نیازهای اطلاعاتی آنها را بشناسد. دانشجو نیز باید فعالانه درگیر موضوعی خاص شود، به تعامل فعال با مدرس و کتابدار پردازد و مهارت‌های سواد اطلاعاتی را به طور عملی تجربه کند. افزون بر تمام موارد ذکر شده، می‌توان ادعا نمود منابع اطلاعاتی نیز بیشتر مورد استفاده قرار می‌گیرند و در نتیجه سودمندی آنها افزایش می‌یابد. نکته دیگری که می‌توان به آن اشاره نمود آن است که کشورهای در حال توسعه تا مرحله خاصی می‌توانند با سرمایه‌گذاری در واردات تجهیزات و فناوری، پیشرفت آن کشور را رقم بزنند، اما در مراحل بعدی نیاز دارند تا خود به طور مستقل پیشرفت نموده و فناوریهای نوین و دانش جدید تولید کنند که این خود مستلزم سرمایه‌گذاری کلان در امر پژوهش و جدی گرفتن آن است. توجه جدی به امر پژوهش و یادگیری عمیق افراد سبب توسعه منابع انسانی می‌شود، و توسعه منابع انسانی، توسعه پایدار را به همراه خواهد داشت. بنابراین، سرمایه‌گذاری در امر پژوهش ضروری است و در صورت تحقق آن، میوه‌های شیرینی را در آینده به دست خواهیم آورد.

با توجه به دیجیتالی شدن و یکپارچه شدن اغلب فعالیتهای کتابخانه‌ای که موجب تعدیل نیرو در کتابخانه‌ها گردیده است و تا حدودی از حجم کاری کتابداران کاسته است، کتابداران می‌توانند با کسب مهارت‌های لازم و به دست آوردن تجربه مورد نیاز، به عنوان ناظران پژوهشی و یا مشاوران پژوهشی، در کنار استادان و دانشجویان قرار گیرند و با تلاش پیگیر خود، انگیزه بیشتری به آنان بخشند و بدین‌سان چرخه انجام پژوهش را روان‌تر کنند.

منابع

- استیری، علی رضا (۱۳۷۱). تأثیر آموزش استفاده کننده بر میزان بهره‌گیری از مراجع در کتابخانه مرکزی دانشگاه تربیت مدرس. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس، تهران.
- اسدی، اصغر (۱۳۷۹). ساختار سازمانی کتابخانه‌های دانشگاهی. پژوهشنامه پردازش و مدیریت اطلاعات، ۱۵(۳)، ۷۴-۹۰.
- خلیجی، محسن (۱۳۷۶). نگاهی به نظام آموزش عالی ایران. گذشته، حال، آینده. مجموعه مقالات نخستین سمینار آموزش عالی در ایران. جلد اول. تهران. انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی.
- شریعتمداری، علی (۱۳۷۴). رسالت تربیتی و علمی مراکز آموزشی. تهران: انتشارات سمت.

- صمدی، ثریا (۱۳۷۶). ضرورت آشنایی دانشجویان دوره‌های تحصیلات تکمیلی با منابع مرجع تخصصی. پیام کتابخانه، ۸(۳)، ۴۷-۵۰.
- طاهری، حسین (۱۳۷۳). نقش منابع کمک آموزشی در رفع نیازهای اطلاعاتی معلمان بینش اسلامی مقطع متوسطه شهر تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس، تهران.
- عارفی، محبوبه (۱۳۸۴). برنامه‌ریزی درسی راهبردی در آموزش عالی. تهران: جهاد دانشگاهی، واحد شهید بهشتی.
- مجیری، شهین (۱۳۸۰). بررسی میزان آشنایی و استفاده دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد از منابع مرجع و عوامل مؤثر بر آن. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه فردوسی، مشهد.
- Blondel, D. (1994). *The Role of organization and Financing of higher education*. Retrieved October 18, 2012 from the World Wide Web:
 - http://www.eric.ed.gov/ERICWebPortal/search/detailmini.jsp?_nfpb=true&_ERICExtSearch_SearchValue_0=ED404206&ERICExtSearch_SearchType_0=no&accno=ED404206#.
 - Campbell, L., Flageolle, P., Griffith, S., & Wojcik, C. (2002). *Resource-based learning*. In M. Orey (Ed.), *Emerging perspectives on learning, teaching, and technology*. Retrieved September 18, 2012 from the World Wide Web: <http://projects.coe.uga.edu/epltt/>
 - Cull, P. (1991). *Resource-based learning: A strategy for rejuvenating Canadian history at the intermediate school level*. (ERIC Document Reproduction Service No. ED 343 829)
 - Daxner, M. (1995). Intimations to academic governance. *Higher education policy*, 8 (3), p. 11-15.
 - Kuhlthau, C. C. (1993). *Seeking meaning: A process approach to library and information services*. Nomood, NJ: Ablex.
 - Kumar, K. (1991). *Library organization*. New Delhi: Vikas Publishing House Private.
 - Macfarlane, A. G. J. (1992). *Teaching and learning in an expanding higher education system*. Edinburgh: Committee of Scottish University Principals.
 - Noble, P. (1980). *Resource based Learning in Post Compulsory Education*. London: Kogan Paul.
 - Parker, S., Maureen, J. (1998) . The importance of the subject librarian in resource based learning: some findings of the IMPEL2 project. *Education libraries journal*, 41(2), 21-26.
 - Resnick, L. B. (1987). *Education and learning to think*. Washington: National Academy Press.
 - Stripling, B. K. (1995). Learning-centered libraries: Implications from research. *School Library Media Quarterly*, 23(3), 163-170.
 - Thomas, D. (1995). Learning to be Flexible. In: Thomas, D. (ed.) *Flexible Learning Strategies in Higher and Further Education*. London: Cassell Education.
 - Turner, J., & Paris, S. G. (1995). How literacy tasks influence children's motivation for literacy. *The Reading Teacher*, 48(8), 662-673.